

غزل شماره ۳۰۶

اگر به کوی تو باشد مرا مجالِ وصول
رَسد به دولتِ وصلِ تو کارِ من به اصول

قرار برده ز من آن دو نرگسِ رعنا
فراغ برده ز من آن دو جادوی مکحول

چو برد تو من مینوای بی زر و زور
به بیچ باب ندارم ره خروج و دخول

کجا روم چه کنم چاره از کجا جویم؟

که گشته ام ز غم و جور روزگار ملول

من شکسته بد حال زندگی یابم

در آن زمان که به تیغِ غمت شوم مقتول

خراب تر ز دل من غم تو جای نیافت

که ساخت در دل گم قرارگاه نزول

دل از جواهرِ مهرت چو صیقلی دارد

بود ز زنگِ حوادث هر آینه مصقول

چه جرم کرده‌ام؟ ای جان و دل، به حضرت تو
که طاعت من یدل نمی‌شود مقبول

به درد عشق بساز و خموش کن حافظ
رموز عشق مکن فاش پیش اهل عقل

تفسیر فال

اگر به دقت و با رعایت اصول و قوانین پیش بروی، این فرصت را خواهی داشت که به اهداف خود دست یابی. گاهی ممکن است فکر کنی که چون پول و ثروت کافی نداری، تمام درها به رویت بسته شده و راه‌های موفقیت برایت مسدود گشته‌اند. اما باید بدانید که این تفکر می‌تواند مانع از درک فرصت‌های موجود گردد. در جستجوی راه چاره نباش؛ بی‌تابی نکن و در عوض بر ایمان خود نسبت به تحقق دعاها تکیه کن. مطمئن باش که

دعاهای تو مورد قبول حق واقع شده و ممکن است در زمان مناسب برآورده شوند. همچنین، رازهایت را فاش نکن؛ زیرا این یکی از نشانه‌های حکمت عاقلان است که می‌دانند چگونه باید با اطلاعات خود رفتار کنند تا از خطرات احتمالی دور بمانند و مسیرشان هموار گردد. حفظ اسرار باعث می‌شود تا تو بتوانی با آرامش بیشتری بر روی اهداف خود تمرکز کنی و از انرژی مثبت برای رسیدن به موفقیت بهره‌برداری نمایی.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)